

چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۷۴۰

صفحه آخر

امام صادق (ع)؛

عاقبت، نعمتی سبک وزن است؛ تا هفت، فراموش می‌شود و چون رفت، به یاد می‌آید.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌انیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴ | تلخن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷

پيام‌رسان: @vatanemrooz | پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: ایران کهن

صندوق بین‌المللی پول از انقباض تا ۱۶ درصدی تولید ناخالص داخلی کشورهای خلیج فارس در پی بحران تنگه هرمز خبر داد

انقباض بزرگ در اقتصادهای نفتی



گروه اقتصادی: دریاوردن خوب می‌دانند که نمی‌توان با دریا جنگید و هم‌زمان نان سفره را از آن انتظار داشت. در سال‌های گذشته، طراحان غربی جنگ و همراهان منطقه‌ای‌شان گمان می‌کردند سرنوشت رویارویی با جمهوری اسلامی ایران روی نقشه‌های عملیاتی و با پرواز جنگنده‌ها رقم می‌خورد. با این حال، هنگامی که غبار میدان فرومی‌نشیدند و دفترهای حساب و کتاب باز می‌شود، واقعیت چهره اصلی خود را نشان می‌دهد. صندوق بین‌المللی پول (IMF) اخیرا گزارشی در ارتباط با هزینه‌های جنگ اخیر بر کشورهای حاشیه خلیج فارس منتشر کرده و چشم‌اندازی را از رشد اقتصادی این کشورها در سال اتی ارائه داده است. پیش‌بینی‌های گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول پرده از حقیقتی برداشت که سال‌ها در پس هیاهوی نظامی پنهان مانده بود: جنگی که برای مهار ایران آغاز شد، ارکان معیشت و ثروت کل منطقه را به لرزه درآورد و نشان داد کلید آرامش و داد و ستد در این پهنه آبی در اختیار چه کسی است.

منطقه‌ای که قرار بود به پشتوانه درآمدهای نفتی، بنادر بزرگ، سرمایه‌های خارجی و حضور نظامی آمریکا از آشوب‌های پیرامونی مصون بماند، اکنون با یکی از سنگین‌ترین افت‌های اقتصادی خود روبه‌رو شده است. در برآورد این نهاد، اقتصاد کویت، عراق، قطر و بحرین در سال ۲۰۲۶ کوچک می‌شود و حتی عربستان سعودی و امارات نیز از پیامدهای جنگ در امان نمی‌مانند. در سوی دیگر، برای ایران، پس از انقباض سنگین سال جاری، بازگشت به رشد مثبت در سال ۲۰۲۷ پیش‌بینی شده است.

اما چگونه جنگی که با هدف تضعیف ایران آغاز شد، توانست اقتصاد

کشورهای ثروتمند پیرامون آن را نیز به چنین تنگنایی بکشد؟ پاسخ را باید در پیوند میان امنیت، جغرافیا و تجارت جست‌وجو کرد. تجربه ماه‌های گذشته نشان داده ثروت نفتی و تجهیزات نظامی پیشرفته، بدون امنیت پایدار در محیط پیرامونی، تضمینی برای ادامه رونق نیست.

همچنین روشن شده نادیده‌گرفتن جایگاه ایران در خلیج فارس، هزینه‌ای دارد که پرداخت آن به مرزهای ایران محدود نمی‌ماند.

■ **آوار جنگ بر برج‌های شیشه‌ای**

در نگاه نخست، اعداد گزارش صندوق بین‌المللی پول باور کردنی به نظر نمی‌رسند. اقتصاد کویت که سال‌ها از درآمد نفت و دارایی‌های مالی گسترده برخوردار بوده، سال ۲۰۲۶ با افت پیش‌بینی‌شده ۱۶٫۷ درصدی مواجه است. اقتصاد عراق نیز ۱۶ درصد کوچک می‌شود و قطر، یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز طبیعی مایع جهان با کاهش ۱۵٫۶ درصدی تولید روبه‌رو خواهد شد. برای بحرین کاهش ۱۱٫۳ درصدی برآورد شده و امارات و عربستان به ترتیب رشد منفی ۳٫۹ و ۳٫۳ درصدی را تجربه می‌کنند. اقتصاد ایران نیز از این آسیب مصون نمانده و انقباض ۷٫۶ درصدی برای آن پیش‌بینی شده است. این ارقام، برآورد رشد واقعی اقتصادهاست؛ یعنی تغییر حجم تولید پس از کنار گذاشتن اثر افزایش قیمت‌ها.

برای درک بزرگی این خسارت، کافی است اقتصاد یک کشور را به کارگاهی بزرگ تشبیه کنیم که در طول سال مجموعه‌ای از کالاها و خدمات تولید می‌کند. وقتی تولید آن ۱۶ درصد کاهش می‌یابد، معنایش آن است که از هر ۱۰۰ واحد تولید پیشین، تنها ۸۴ واحد باقی مانده است. کاهش تولید لزوماً به معنای افت درآمد تک‌تک شهروندان به همین نسبت نیست اما معمولاً فشار آن به شکل کاهش درآمد دولت، محدودشدن فرصت‌های شغلی، رکود فعالیت‌بنگه‌ها و عقب‌افتادن طرح‌های عمرانی نمایان می‌شود.

این وضعیت تنها به چند اقتصاد آسیا محدود نیست. صندوق بین‌المللی پول رشد مجموع غرب آسیا و آسیای مرکزی را در سال ۲۰۲۶ منفی ۰٫۳ درصد برآورد کرده است؛ رقمی که نسبت به پیش‌بینی ابتدای سال همین نهاد، ۲٫۲ واحد درصد پایین‌تر آمده است. به بیان ساده، جنگ بخشی از رشدی را که انتظار می‌رفت در منطقه

شکل بگیرد، از میان برده است. اهمیت ماجرا زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم بسیاری از کشورهای عرب منطقه طی ۲ دهه گذشته برای ساختن چهره‌ای تازه از اقتصاد خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ چهره‌ای متکی بر تجارت، گردشگری، حمل‌ونقل و خدمات مالی. اکنون جنگ آسیب‌پذیری همین دستاوردها را نیز آشکار کرده است.

■ **مسیرهای دریایی ناامن**

برای فهم ریشه این آسیب‌ها باید از برج‌های بلند دویی و مجتمع‌های گازی قطر فاصله گرفت و به نقشه خلیج فارس نگاه کرد. بخش مهمی از ثروت کشورهای این منطقه از راه دریا به بازارهای جهانی می‌رسد. نفتی که در میدان‌های کویت و عراق استخراج می‌شود، گازی که از تأسیسات قطر روانه بازارهای آسیایی می‌شود و کالاهایی که بنادر امارات را به مراکز تجارت جهانی پیوند می‌دهند، همگی به امنیت مسیرهای دریایی وابسته‌اند.

در روزهای آرام، کشتی‌های می‌آیند و می‌روند و این وابستگی چندان به چشم نمی‌آید اما کافی است خطر جنگ افزایش یابد تا محاسبات اقتصادی به‌سرعت تغییر کند؛ شرکت کشتیرانی برای عبور از منطقه ناامن هزینه بیشتری مطالبه می‌کند، بیمه‌گر حق بیمه را بالا می‌برد، خریدار درباره تحویل به‌موقع محموله تردید می‌کند و تولیدکننده ممکن است ناچار شود فعالیت خود را کاهش دهد. حتی کشوری که تأسیساتش سالم مانده، در صورت از دست دادن امکان صادرات نمی‌تواند از همه ظرفیت اقتصادی خود استفاده کند.

در این میان، تنگه هرمز نقشی تعیین‌کننده دارد. این آبراه مسیر مهم انتقال نفت و گاز خلیج فارس به بازارهای جهانی است و اختلال در آن، زنجیره‌ای از مشکلات را در سراسر منطقه پدید می‌آورد. صندوق بین‌المللی پول در ارزیابی‌های سال ۲۰۲۶ خود، طولانی‌ترشدن محدودیت‌های عبور از هرمز را از عوامل اصلی کاهش تولید و صادرات کشورهای منطقه دانسته است. در گزارش‌های قبلی نیز افزایش مدت اختلال در تردد دریایی، یکی از دلایل کاهش پیش‌بینی رشد اقتصادی و بالا رفتن رشد احتمالی سال بعد عنوان شده بود.

■ **خط بطلان بر توهم مهار ایران**

ایران در این معادله جایگاهی دارد که نمی‌توان آن را با شمار

پایگاه‌های نظامی یا حجم سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای دیگر

سنجید. موقعیت جغرافیایی ایران، امتداد سواحل جنوبی آن، نزدیکی

به تنگه هرمز و توانمندی‌های دفاعی کشور، مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها

را شکل داده که در محاسبات امنیتی منطقه وزن چشمگیری دارد.

تجربه جنگ اخیر نیز بار دیگر اهمیت این موقعیت را در برابر بازیگران

خارجی آشکار کرد.

در سال‌های گذشته، بخش مهمی از سیاست مهار ایران بر این تصور استوار بود که می‌توان با افزایش فشار اقتصادی و نظامی، هزینه‌های سنگینی به تهران تحمیل کرد و در همان حال، جریان تجارت و انرژی در کشورهای همسایه را تقریباً بدون اختلال ادامه داد اما تحولات سال جاری ضعف این محاسبه را نشان داده است. اقتصاد منطقه، پیوسته است و ضربه به امنیت یکی از بازیگران اصلی خلیج فارس می‌تواند پیامدهایی گسترده برای سایر کشورها و بازار جهانی داشته باشد.

■ **رابطه عکس پایگاه‌های نظامی خارجی و امنیت اقتصادی**

یکی از پرش‌های جدی جنگ اخیر، کارآمدی ترتیبات امنیتی کشورهای عرب خلیج فارس است. دهه‌هاست دولت‌های منطقه با خرید تسلیحات پیشرفته، استقرار سامانه‌های پدافندی و میزبانی از پایگاه‌های نظامی آمریکا می‌کوشند خطرهای امنیتی خود را کاهش دهند. ناوگان پنجم آمریکا در بحرن و پایگاه هوایی العديد در قطر، نمونه‌های شناخته‌شده این حضور هستند. چنین ترتیباتی برای دولت‌های میزبان هزینه‌های مالی و سیاسی داشته و بخش مهمی از محاسبات دفاعی آنان را شکل داده است.

با وجود این سرمایه‌گذاری‌ها، جنگ نشان داد توان نظامی خارجی نمی‌تواند به تنهایی از فعالیت عادی اقتصاد حفاظت کند. ممکن است یک سامانه پدافندی در مقابله با حمله‌ای مشخص موفق باشد اما امنیت اقتصادی، گسترده‌تر از دفاع نظامی در برابر حمله مستقیم است و به

فرباد دوباره سرمربی سابق منچستر سیتی در انتقاد از فاجعه انسانی فلسطین

پپ علیه سکوت



بزرگی شکل می‌گیرد؛ خطری که در آن ارزش جان انسان‌ها بر اساس ملیت، محل تولد یا وابستگی سیاسی سنجیده می‌شود.

■ **اعتراض به زبایان آمار**

یکی دیگر از محورهای انتقاد سرمربی سابق منچستر سیتی، شیوه توصیف قربانیان جنگ است. او معتقد است استفاده از اصطلاحات سردر و آذاری، گاهی واقعیت هولناک مرگ غیرنظامیان را پشت وازه‌های ظاهرا اخشی پنهان می‌کند.

در نگاه پپ، هر فرد جان‌باخته صاحب هویتی مستقل بوده؛ انسانی با خانواده، علایق، آرزوها و گذشته‌ای که ناگهان پایان یافته است.

او به‌ویژه با توصیف مرگ کودکان در قالب پیامدهای اجتناب‌ناپذیر عملیات نظامی مخالفت می‌کند. از نظر پپ، هیچ توجیه سیاسی یا نظامی نباید موجب شود نابودی زندگی بی‌گناهان صرفاً به بخشی از محاسبات جنگی تقلیل یابد.

این تأکید اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا یکی از پیامدهای استمرار

درگیری‌های خونین، تبدیل قربانیان به آمارهایی است که پس از مدتی حساسیت اولیه جامعه نسبت به آنها کاهش می‌یابد.

■ **هشدار به وجدان جهان**

بخش دیگری از سخنان جوزپه گواردیولا متوجه کسانی است که با وجود آگاهی از وقایع غزه، ترجیح می‌دهند واکنشی نشان ندهند. او اعتقاد دارد در برابر چنین ابعادی از خشونت، کنار کشیدن و بی‌طرف نشان دادن خود لزوماً رفتاری بی‌اثر نیست. به باور این مربی، خاموشی صاحبان نفوذ می‌تواند به تداوم وضعیتی کمک کند که قربانیان آن هیچ نقشی در آغاز جنگ نداشته‌اند.

پیام او صرفاً خطاب به سیاستمداران نیست، رسانه‌ها، ورزشکاران، هنرمندان و شهروندان عادی نیز مخاطب این فراخوان هستند. گواردیولا می‌خواهد مساله غزه را دستور کار افکار عمومی خارج نشود و مطالبه پایان رنج غیرنظامیان همچنان زنده بماند.

■ **سخنانی از قلب منچستر**

این نخستین مرتبه نیست که مربی نامدار اسپانیایی چنین موضعی اتخاذ می‌کند. او پیش‌تر نیز هنگام دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه منچستر، بخش قابل توجهی از سخنرانی خود را به شرایط فلسطینیان اختصاص داده بود.

گواردیولا در آن مراسم توضیح داد نگرانی‌اش درباره غزه از رقابت‌های ایدئولوژیک سرچشمه نمی‌گیرد. آنچه او را آزار می‌دهد، مشاهده نابودی زندگی کودکانی است که حتی فرصت شناخت جهان پیرامون خود را پیدا نکردند.

وی برای ملموس کردن این تراژدی، از حضاران خواست تصور کنند فرزندان خردسال خودشان قربانی بمباران



نرخ رشد سال دوم ۲۰ درصد خواهد بود؛ رقمی چشمگیر اما هنوز نشان‌دهنده بازگشت به سطح اولیه نیست. در اقتصاد نیز همین اتفاق رخ می‌دهد. هنگامی که فعالیت نفتی و صادرات در یک سال به‌شدت افت کند، راه‌اندازی دوباره تأسیسات و بازگشت کشتی‌های می‌تواند رشد بسیار بالایی ایجاد کند بی‌آنکه تمام زیان پیشین جبران شده باشد. برای نمونه، حتی اگر رشد ۱۷ درصدی کویت در سال ۲۰۲۷ تحقق یابد، پس از افت ۱۶٫۷ درصدی سال ۲۰۲۶، سطح تولید این کشور همچنان حدود ۲۵ درصد پایین‌تر از سطح پیش از افت خواهد بود. این تفاوت یکی از مهم‌ترین پیام‌های اقتصادی گزارش صندوق است. رشد دورقمی می‌تواند واقعی باشد اما از بازگشت فعالیت‌های متوقف‌شده سرچشمه بگیرد. در نتیجه، قضاوت درباره سلامت اقتصاد کشورهای منطقه نیازمند بررسی کیفیت سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید غیرنفتی و تداوم رونق در سال‌های بعد است. حتی صندوق بین‌المللی پول نیز بازگشت اقتصادهای منطقه را مشروط به عادی‌شدن تدریجی تجارت و صادرات انرژی می‌داند و نسبت به پیامدهای طولانی‌شدن جنگ هشدار داده است.

■ **فرصتی برای تغییر معادله**

جمهوری اسلامی ایران در کنار حفظ توان بازدارندگی، به دیپلماسی اقتصادی فعالی نیاز دارد که واقعیت وابستگی متقابل اقتصادهای خلیج فارس را به زبان منافع مشترک توضیح دهد. گفت‌وگو با دولت‌های همسایه باید بر این اصل استوار باشد که هیچ کشوری از ناامن شدن مسیرهای انرژی و تجارت سود پایدار نمی‌برد. چنین گفت‌وگویی می‌تواند زمینه‌ساز تعهد متقابل به خودداری از استفاده از سرزمین کشورها برای اقدامات تهاجمی، حفاظت از تأسیسات اقتصادی و ایجاد سازوکارهای مشترک کاهش تنش باشد. در داخل نیز ضروری است مفهوم امنیت اقتصادی جایگاه برجسته‌تری در برنامه‌ریزی کشور پیدا کند. گسترش ظرفیت بنادر اقیانوسی، تقویت مسیرهای حمل‌ونقل زمینی و ریلی، تنوع‌بخشی به مبادی واردات کالاهای ضروری، افزایش ذخایر راهبردی و کاهش وابستگی زیرساخت‌های حیاتی به چند نقطه محدود، از اقداماتی است که می‌تواند هزینه بحران‌های آینده را کاهش دهد. تجربه سال جاری نشان داد تاب‌آوری اقتصادی صرفاً با افزایش تولید در شرایط عادی حاصل نمی‌شود. کشور باید بتواند هنگام اختلال در مسیرهای تجارت و انرژی نیز نیازهای اساسی مردم و تولیدکنندگان را تأمین کند.

■ **قایق مشترک در آب‌های توفانی**

گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول را می‌توان یکی از روشن‌ترین اسناد اقتصادی درباره هزینه‌های منطقه‌ای جنگ علیه ایران دانست. ارقام آن نشان می‌دهد خسارت رویارویی نظامی در مرزهای کشور هدف متوقف نمی‌شود و اقتصاد دولت‌هایی را که به امنیت مسیرهای مشترک وابسته‌اند نیز درگیر می‌کند. برای برخی همسایگان، افت تولید در سال جاری حتی از کاهش پیش‌بینی شده اقتصاد ایران سنگین‌تر بوده است. واقعیتی که باید در محاسبات آینده آنان جایگاهی جدی پیدا کند.

جغرافیا را نمی‌توان با قراردهای نظامی تغییر داد. ایران در کنار خلیج فارس حضور داشته و خواهد داشت و اقتصاد کشورهای پیرامون نیز همچنان به آرامش این پهنه آبی نیازمند است. اگر جنگ اخیر درسی برای آینده داشته باشد، آن درس، ضرورت تبدیل این همسایگی تاگزیر به همکاری سنجیده و پایدار است.

امنیت خلیج فارس بدون در نظر گرفتن امنیت ایران بنیانی استوار نخواهد داشت. همان‌طور که اقتدار پایدار ایران نیز در گرو اقتصاد، توانمند و منظم‌های آرام است. ترازنامه جنگ این حقیقت را با ابعادای سنگین یادآوری کرده‌است. اکنون هنر کشورهای منطقه آن است که این واقعیت پر هزینه، به منبایی برای جلوگیری از تکرار بحران تبدیل شود.

شوند؛ پرسشی اخلاقی که هدفش برداشتن فاصله روانی میان تماشاگران دوردست و خانواده‌های گرفتار جنگ بود. از دیدگاه او، هیچ جامعه‌ای نباید تصور کند مصیبت انسان‌ها.

دیگر برای همیشه پشت مرزهای جغرافیایی باقی خواهد ماند.

■ **قهرمانی بیرون از فوتبال**

اهمیت رفتار گواردیولا فقط در محتوای اظهارات او خلاصه نمی‌شود. او نشان داده یک شخصیت ورزشی می‌تواند بدون کنار گذاشتن مسؤولیت حرفه‌ای خود، درباره موضوعات انسانی نیز موضعی روشن داشته باشد.

در درانی که قرار دادهای تجاری، مناسبات رسانه‌ای و نگرانی از واکنش‌های سیاسی بسیاری از چهره‌های مشهور را به احتیاط واداشته، چنین اظهارنظرهایی طبیعتاً تاب‌گسترده‌تری می‌یابد. ممکن است همه مخاطبان با تحلیل سیاسی گواردیولا موافق نباشند اما پیام اصلی او درباره ضرورت حفاظت از کودکان و غیرنظامیان، موضوعی فراتر از رقابت‌های سیاسی است.

پپ سال‌ها برای فتح جام‌های بزرگ تلاش کرده اما این بار خواست‌هاش نه کسب یک عنوان قهرمانی، بلکه پایان یافتن مصیبتی انسانی است. گواردیولا با مواضع تازه خود یادآوری می‌کند گاهی مهم‌ترین تصمیم یک چهره بزرگ، نه در میدان مسابقه، بلکه در لحظه‌ای گرفته می‌شود که باید میان «آسودگی و سکوت» و «شورای اعتراض» یکی را انتخاب کند. او واکنشش را انجام داده است، انتخابی که نشان می‌دهد برای دفاع از حق زندگی مردم فلسطین، پیش از هر عنوان وابستگی، داشتن وجدان بیدار اهمیت دارد.

وجود ندارد. تا زمانی که این آبراه در وضعیتی خارج از نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بخواهد فعالیت کند، بازیگران منطقه‌ای ناچار به پذیرش هزینه‌های سرسام‌آور و رو آوردن به ابزارهای غیرمتعارف خواهند بود؛ ابزارهایی که اگرچه بقای صادرات را تا حد کمی تضمین می‌کند اما شفافیت، ایمنی و نظام یکسویه تجارت دریایی را به بهای سنگینی تضعیف می‌کند.

ادامه از صفحه اول
۴- **واکنش واشنگتن:** عقب‌نشینی تاکتیکی در سايه فشار قیمت چهارمین حلقه، واکنش غیرمنتظره دولت آمریکا را آشکار می‌کند. در حالی که انتظار می‌رفت واشنگتن با تشدید تحریم‌ها علیه خریداران نفت روسیه،

